

تهیه‌کننده و کارگردان فیلم سینمایی «در آغوش درخت» در گفت‌وگو با صبا ماهی‌تا از آب بیرون نیان قدر آبو نمیفهمن

«در آغوش درخت» با قابهایی خارج از فضای تهران و خلق داستانی شاعرانه، مصائب خانواده‌ای را در آستانه فروپاشی را به تصویر میکشد. در خلاصه این فیلم آمده: «بحران پیچیده ای زندگی کیمیا و فرید را که دوازده سال از ازدواجشان میگذرد در بر گرفته و جهان زیبایی فرزندانشان را بهم میریزد. کودکانی که هیچ چیز جز سادگی و مهربانی را در زندگی نمیشناسند». خبرنگار صبا درباره این فیلم با سجاد نصرالهی تهیه‌کننده و بابک خواجه پاشا کارگردان فیلم گپ و گفتی داشت. در ادامه با ما همراه باشید

سجاد نصرالهی:

فرزندان این فیلم منجی خانواده هستند

سجاد نصرالهی درباره نحوه شکل‌گیری و همکاری اش با خواجه پاشا به صبا گفت: با خواجه‌پاشا در کار موقعیت مهدی آشنا شدم در این فیلم، من تهیه‌کننده و ایشان دستیار کارگردان بودند. فیلم در آغوش درخت، درباره خانواده و نقش مؤثر فرزند در خانواده است. در این فیلم فرزندان، منجی خانواده و باعث جلوگیری از فروپاشی یک خانواده میشوند. او در ادامه افزود: اتفاق خوبی که در این پروژه افتاد، حضور و همراهی سینماگرانی چون مجید مجیدی و رضا میرکریمی بود. آقای مجیدی از همان ابتدای پیش تولید در جریان کار بوده و از اینکه در این فیلم از فضای شهری و آپارتمانی فاصله گرفته شده ابراز رضایت کردند. آقای میرکریمی هم، از این پروژه بسیار خوششان آمده بود و پیشنهاد دادند که به عنوان مشاور در این پروژه حضور داشته باشند و در همین راستا مشاوره‌های قابل توجهی را به ما ارائه کرده‌اند. ایشان در پاسخ به این سوال که چه سازمان‌های از این اثر حمایت کردند، گفت: بعد از اینکه کار تمام شد سازمان سوره و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پای کار آمده‌اند، اما باید در نظر داشت شرایط سینما در حال حاضر شرایط خاصی است؛ اقبال عمومی از فضای سینما پایین آمده و اکثر مردم درگیر عادت به استفاده از فضای پلتفرمی و نمایش خانگی شده‌اند و بازگرداندن آنها به سینما کار بسیار سختی است. باتوجه به این اوضاع واقعا نمیشود هیچ حدسی درباره اکران در آغوش درخت زد. اما باتوجه به سوابق بازار بین‌المللی فیلمهای ایرانی، فکر میکنم که اثر ما در سینما بین الملل حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشد.

بابک خواجه پاشا: آذربایجان، اقلیمی که آن را می‌شناسم

بابک خواجه پاشا کارگردان و نویسنده فیلم در آغوش درخت به صبا گفت: در فضای هنری بزرگ شده و در کارهای بسیاری حضور

داشتم و به دلیل تجربه‌هایی که در سینما و تئاتر داشتم به کارگردانی گرایش پیدا کرده‌ام و آثاری چون سریال «بهانه‌های برای بودن»، «تور شامیرین» و «سنه خاطیر» که همگی محصول صدا و سیما شبکه استانی آذربایجان غربی بوده، را کارگردانی کرده‌ام. او که در فیلم «محمد» به کارگردانی مجید مجیدی دستیار کارگردان بوده است درباره مضمون و علت انتخاب موضوع فیلم در آغوش درخت به صبا گفت: از سالهای پیش باور داشتم که می‌تواند در معرفی سینمای ایران کمربند شده و سعی کردم به آن بپردازم. در ادامه به مباحثی مانند فقدان و نعمت رسیدم و مفهوم آنها را دریافت کردم. از نظر من زمانی که انسان قدر داشته‌هایش را بداند بیشتر و بهتر میتواند با آنها ارتباط برقرار کند. از نظر من در دنیا، افراد قدر داشته‌های خود را نمیدانند و به همین دلیل عموم افراد حال خوبی ندارند. همچنین او درباره نحوه نگارش فیلمنامه توضیح داد: باتوجه به شکل کاریمان، بازنویسی جداگانه‌ای نداشتیم و همه چیز در دل نگارش انجام میشد. از ایده به طرح رسیدیم و از طرح به سیناپس و در نهایت هم فیلمنامه را نگارش کردیم. این مراحل و مدت زمانی که به صورت کلی صرف نگارش فیلمنامه شد، حدود هفت ماه طول کشید. خواجه پاشا درباره لوکیشن‌های جذاب و دیدنی فیلم اضافه کرد:

در همان صحبت‌هایی اولیه که با تهیه‌کننده داشتیم تصمیم مبنی بر این بود که از تهران دور بشویم و به سمت لوکیشن‌هایی برویم که کمتر دیده

شده‌اند و در نهایت آذربایجان انتخاب شد، شهری که من اقلیم آن را بیشتر میشناختم. به آذربایجان غربی رفتیم و در ارومیه، سیلوانا و نزدیک تبریز و مهاباد فیلمبرداری کار انجام شده است. سعی کردیم تا جایی که میشود جغرافیای زیبای آن منطقه را نشان دهیم که هم از شاخصهای بومی استفاده کرده باشیم و هم فیلم برای مخاطب تازه‌گهیایی بصری داشته باشد. طبیعت سرسبز آذربایجان با طبیعت شمال متفاوت است. طبیعت آذربایجان طبیعت وحشتری است و عمق میدان بیشتری دارد و به شما کمک میکند که پلانهای بسیار زیبایی را فیلمبرداری کنید. ما به انتخاب فیلمبردار برای تصویر برداری از این مناظر بدیع از دوربین مینی الکسا استفاده کردیم. این کارگردان جوان درباره نحوه انتخاب و کست بازیگری فیلم افزود: یکی از موضوعاتی که به نظر من سینما را در حال حاضر از محتوا دور کرده، انکاب به چند بازیگر خاص است؛ در بیشتر موارد تلاش شده که گیشه را در دست داشته باشیم. ولی مشکلی که وجود دارد این است که بعد از گذشت چند سال، ما در استفاده از این چهره‌ها دچار تکرار شده ایم. تکراری که به نفع سینما نیست. نمیتوان منکر این قضیه شد که بازیگران چهره در موفقیت فیلم نقش زیادی داشته و بسیار ارزشمند هستند، اما ما در راستای معرفی بازیگران خلاق و تازه به سینما هم مسئول هستیم. سینما نیاز به بازیگران جدید، توانا و خلاق دارد و باید این چرخه حفظ شود. در ادامه ایشان از بازی درخشان دو کودک در اثر خود یاد کرد و گفت: در این فیلم دو کودک داریم، یکی ده ساله و دیگری پنج ساله، هر دوی اینها فوقالعاده بازی کردند. داستان فیلم بر اساس دو کودک بنا شده است و ما سعی کردیم با توجه به فاکتورهایی که نقش دارد، کودکانی را انتخاب کنیم که از لحاظ روحی نزدیک به نقش باشند. مدتی از کودکان مختلف تست گرفتیم و در نهایت به این دو عزیز رسیدیم و انتخابشان کردیم. خواجه پاشا درباره نحوه کارگیری مولفه‌های حسی و شاعرانه در فیلم به صبا گفت:

سعی کردم فضای شاعرانه کار را هم در فرم و هم در محتوا رعایت کنم. در فیلمنامه نویسی و دیالوگ نویسی و در میزانشها و قابندیها، در همه و همه سعی کردم این فضای شاعرانه حفظ و وجود داشته باشد. همچنین او درباره جلوه‌های ویژه میدانی و بصری استفاده شده در اثر اضافه کرد: سعی کردیم تا جای که ممکن به همه چیز به طور طبیعی پرداخت شود. جلوه‌های میدانی در حد ورزش باد و مسائل اینچنینی بوده است. اما در بخش بصری کمی بیشتر از میدانی کار کرده‌ایم. در بخش بصری vfx حشرات و پرندگان داشتیم و یکسری جلوه‌های بصری خاص در سکانسی که قطار حضور دارد انجام شده است. در پایان این کارگردان دیالوگ «ماهی‌تا از آب بیرون نیان قدر آبو نمیفهمن» را بهترین دیالوگ فیلم خود خواند و گفت: این جمله بازگوکننده حس و حال کلی فیلم در آغوش درخت است.



به یاد اولین بانوی کارگردان سینمای ایران مردم نام من را بزرگ کردند

به یاد اولین کارگردان زن ایران که مهربان بود و لبخندهایش در یادها می‌ماند. از قدرت‌زمان وفادوست سخن می‌گوییم که همگان او را با نام شهلا ریاحی می‌شناسند. او سال‌های زیادی از عمرش را در سینما، تئاتر و تلویزیون گذراند. ۱۷ سال بیشتر نداشت که به درخواست و راهنمایی همسرش مرحوم اسماعیل ریاحی که خود از شیفتگان تئاتر بود، به صحنه تئاتر راه یافت. برای نخستین بار شادروان معز دیوان فکری در نمایشنامه‌ای به نام «سیاست هارون الرشید» نقش اول را به او محول کرد. این کار با استقبال بسیاری روبه‌رو شد و همین باعث شد که بعدها یعنی در کار بعدی‌اش به عنوان بازیگر سرشناس مورد توجه قرار بگیرد. در سال ۱۳۳۰ با فیلم خواب‌های طلایی وارد سینما شد. پس از آن وارد رادیو شد و برای ۱۴ سال در نمایشنامه‌های رادیویی در نقش بازیگر و کارگردان فعالیت می‌کرد. سال ۱۳۳۵ هم اولین فیلمش به نام «هرجان» را کارگردانی کرد که به عنوان اولین کارگردان زن ایرانی در تاریخ سینمای ایران ثبت شد. او درباره خانواده نظر مشخصی داشت و می‌گفت: «عشق به خانواده و عشق به هنر دو دغدغه اصلی من در زندگی بوده‌اند که البته عشق به خانواده را با هیچ چیزی عوض نکردم. همسر من همه زندگی من بود و اگر از من چیزی می‌خواست با رضایت خاطر قبول می‌کردم حتی اگر از من می‌خواست از هنر دست بردارم که البته اینگونه نبوده و او همیشه یکی از حامیان من در زندگی بود. خوشحالم که توانستم با بیش از ۶۰ سال فعالیت هنری در عرصه تئاتر، سینما، رادیو و تلویزیون دین خود را به جامعه هنری ایران ادا کنم. من دختر کوچکی بودم که وارد سینما شدم و این مردم بودند که نام من را بزرگ کردند. هر چه دارم از مردم است و مردم بودند که شهلا ریاحی را ساختند.»

یاد شهلا ریاحی که همواره مهر و محبتش را تقدیم مردم ایران می‌کرد گرامی باد.

